



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

**سیر تحول داستان کوتاه دفاع مقدس در دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰
بر اساس آثار چهار نویسنده: حبیب احمدزاده، راضیه
تجار، سید مهدی شجاعی و رحیم مخدومی**

استاد راهنما:

آقای دکتر محمدرضا یوسفی

استاد مشاور:

آقای دکتر بهاءالدین اسکندری

نگارنده:

مرضیه سهامی احمد

زمستان ۸۹

تقدیم به

سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (ع)

رهبر شهیدان، امام خمینی (ره)

مجاهدان راه حق، از آغاز تا پایان جهان

با سپاس فراوان از

پروردگار بزرگ و بلندمرتبه‌ام
که لطف و رحمتش را بر تمام زوایای زندگی‌ام دیده‌ام

پدر و مادر مهربانم
که همواره زمزمه محبتشان را با گوش جان شنیده‌ام

همسر صبورم
که در سایه آرامشش به این موفقیت رسیده‌ام

با تشکر و قدردانی از

معلمان و مربیان سال‌های پیشین
که الفبای علم را برایم سرودند.

اساتید دوره کارشناسی
که در اولین گام‌های دانشجویی یاری‌ام نمودند.

اساتید دوره کارشناسی ارشد
که دریچه‌های تازه‌ای از دانش و معرفت به رویم گشودند.

استاد راهنما، جناب آقای دکتر محمدرضا یوسفی
که مایه‌های شک و اضطراب را از اندیشه‌ام زدودند
و در نگارش سطر به سطر این پژوهش همراهم بودند.

استاد مشاور، جناب آقای دکتر بهاء‌الدین اسکندری
که با نکات ارزشمندشان بر غنای کار افزودند.

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان قم
که در یافتن کتب موردنیاز همکاری نمودند.

چکیده

داستان کوتاه یکی از گونه‌های ادبی پر طرفدار در جهان معاصر است که از سال ۱۳۰۰ شمسی به ادبیات داستانی فارسی راه یافت و رشد کرد. این سیر ادامه داشت تا با شروع جنگ تحمیلی، شاخه جدیدی از این گونه ادبی با عنوان «داستان کوتاه دفاع مقدس» در خدمت انتقال مفاهیم و ارزش‌های والای دفاع مقدس قرار گرفت، به طوری که در طی سه دهه پس از وقوع جنگ تحمیلی، بیشترین آمار ادبیات داستانی را به خود اختصاص داده است. داستان کوتاه دفاع مقدس به تبع ادبیات داستانی دفاع مقدس، در طول سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ تحولاتی را در ساختار و محتوا پذیرفته است؛ به این معنی که با نزدیک شدن به دهه هشتاد، ساختار داستان‌ها پیچیده‌تر می‌گردد و عنصر مهم و ضروری پیرنگ با دقت بیشتری در داستان‌ها به کار گرفته می‌شود. همچنین سیر زاویه دید در داستان‌ها از اول شخص به سمت دانای کل است و در شخصیت‌پردازی نیز از تیپ‌های اوایل جنگ فاصله گرفته، به افرادی پرداخته می‌شود که تحت تاثیر تبعات جنگ قرار گرفته‌اند. از طرفی مضامین بکر و تازه‌ای به فضای داستانی راه می‌یابد که نشان می‌دهد با فاصله گرفتن از جنگ، سیر داستان‌ها از رویکرد ارزش‌محور به سمت رویکرد انسان‌محور بوده است. بررسی ۴۵ داستان کوتاه دفاع مقدس از چهار نویسنده: حبیب احمدزاده، راضیه تجار، مهدی شجاعی، و رحیم مخدومی این سیر تحول را تأیید می‌کند؛ اما به هر حال از سبک خاص هر نویسنده نیز نباید غافل بود.

کلیدواژه: داستان کوتاه، دفاع مقدس، سیر تحول، پیرنگ، دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
فصل اول:.....	۹
داستان کوتاه.....	۹
۱-۱ تعریف داستان کوتاه و بیان ویژگیهای آن.....	۱۰
۲-۱ انواع داستان کوتاه.....	۱۵
۳-۱ پیشینه داستان کوتاه در جهان و ایران.....	۱۶
۴-۱ سیر تحول داستان کوتاه در ایران.....	۲۰
۵-۱ جمع بندی.....	۲۳
فصل دوم:.....	۲۵
ادبیات داستانی دفاع مقدس.....	۲۵
۱-۲ پیشینه ادبیات جنگ در جهان و ایران.....	۲۶
۲-۲ تعریف ادبیات مقاومت و ادبیات دفاع مقدس.....	۲۸
۳-۲ ادبیات داستانی دفاع مقدس.....	۳۰
۱-۳-۲ داستان نویسان دفاع مقدس.....	۳۰
۲-۳-۲ آسیب شناسی ادبیات داستانی دفاع مقدس.....	۳۳
۴-۲ داستان کوتاه دفاع مقدس.....	۳۸
۵-۲ جمع بندی.....	۴۰
فصل سوم:.....	۴۱
بررسی پیرنگ و سیر تحول آن در داستانهای کوتاه دفاع مقدس.....	۴۱
۱-۳ عناصر داستان.....	۴۲
۱-۱-۳ زاویه دید و شیوه روایت داستانهای کوتاه دفاع مقدس.....	۴۸
۲-۱-۳ شخصیت پردازی در داستانهای کوتاه دفاع مقدس.....	۵۰
۳-۱-۳ مضامین عمده داستانهای کوتاه دفاع مقدس.....	۵۳
۲-۳ پیرنگ.....	۵۷

۵۸ عناصر پیرنگ	۱-۲-۳
۶۹ انواع پیرنگ	۲-۲-۳
۶۹ داستان کوتاه بدون پیرنگ (بدون حادثه)	۳-۲-۳
۷۳ بررسی پیرنگ در داستانهای کوتاه دفاع مقدس	۳-۳
۷۵ حبیب احمد زاده	۱-۳-۳
۱۰۸ راضیه تجار	۲-۳-۳
۱۵۹ سید مهدی شجاعی	۳-۳-۳
۲۰۸ رحیم مخدومی	۴-۳-۳
۲۴۵ جمع بندی	۴-۳
۲۵۲ فصل چهارم:	
۲۵۲ داستان کوتاه دفاع مقدس در گذر زمان	
۲۵۳ سیر تحول ادبیات داستانی دفاع مقدس	۱-۴
۲۶۲ سیر تحول داستان کوتاه دفاع مقدس	۲-۴
۲۶۳ داستانهای دهه ۶۰	۱-۲-۴
۲۶۶ داستانهای دهه ۷۰	۳-۲-۴
۲۶۹ داستانهای دهه ۸۰	۴-۲-۴
۲۷۱ جمع بندی	۳-۴
۲۷۳ فصل پنجم	
۲۷۳ نتیجه گیری و پیشنهادها	
۲۷۴ نتیجه گیری	۱-۵
۲۷۸ پیشنهادها	۲-۵
۲۷۹ پیوست	
۲۸۷ فهرست منابع	
۲۸۷ کتابها	
۲۸۹ مقالات	
۲۹۰ سایتها	

مقدمه

تعریف مسأله

داستان کوتاه اثری است کوتاه که در آن نویسنده به یاری یک طرح منظم، شخصیتی اصلی را در یک واقعه اصلی نشان می‌دهد و این اثر بر روی هم تاثیر واحدی را القا می‌کند. این گونه ادبی در دو قرن اخیر در دنیا و در نود سال اخیر در ایران رشد چشمگیری داشته است. کوتاهی و محدود بودن شخصیت‌ها و حوادث داستان کوتاه از عواملی است که باعث گرایش بسیاری از نویسندگان به آن شده است، اما در میان داستان‌های کوتاهی که هر ساله به بازار ادبیات عرضه می‌شوند، آثاری موفقند که با معیارهای درست و اصولی نگارش یافته باشند. یکی از عناصر مهم در هر داستان به طور اعم، و در داستان کوتاه به طور اخص، عنصر پیرنگ است. اهمیت این عنصر در داستان کوتاه به حدی است که باعث تقسیم بندی آن به دو نوع داستان کوتاه پیرنگ‌دار و داستان کوتاه بدون پیرنگ شده است. از طرفی داستان‌های کوتاهی که در زمینه دفاع مقدس در کشور ما نوشته می‌شوند، با داستان‌هایی که با انگیزه‌های فردی و شخصی به نگارش درمی‌آیند، یک تفاوت اساسی دارند و آن، مضمون و موضوع این داستان‌هاست. داستان کوتاه دفاع مقدس به منظور انتقال مفاهیم و ارزش‌های والای دفاع مقدس نوشته می‌شود؛ بنابراین باید در کنار توجه به پیام و مضمونی که در خود دارد، به ساختار داستان نیز توجه داشته باشد تا بیشترین تاثیر را بر خوانندگان بگذارد.

علیرغم افزایش چشمگیر داستان‌های کوتاه مربوط به جنگ ایران و عراق در میان انواع ادبیات داستانی، متأسفانه درباره این گونه ادبی و در مورد سیر تحول آن از آغاز جنگ تا امروز کاری صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی می‌-

شود سیر تحول داستان کوتاه دفاع مقدس با تکیه بر عنصر پیرنگ، و با توجه به معیارهایی چون مضمون، شخصیت، و زاویه دید مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت انجام پژوهش

پرداختن به موضوعات ادبی که درباره جنگ نوشته شده‌اند، به ویژه داستان کوتاه که از انواع پرمخاطب با دایره وسیع مخاطب (نسل نوجوان و جوان) است، ضرورت دارد. به خصوص اینکه در روش مقایسه‌ای و تحلیلی که در این پژوهش اساس قرار می‌گیرد، سیر تحول ساختار و مضمون در سه دهه با تکیه بر نویسندگان شاخص داستان کوتاه دفاع مقدس بررسی می‌شود.

اهداف پژوهش

- شناخت ابعاد فرهنگی دفاع مقدس از طریق گونه ادبی داستان کوتاه
- ارائه معیارهای درست و اصولی برای نگارش داستان کوتاه تاثیرگذار در زمینه دفاع مقدس
- نشان دادن سیر تحول داستان کوتاه از آغاز جنگ تا امروز

پرسش‌های پژوهش

- ساختار و محتوای داستان کوتاه دفاع مقدس در این سه دهه چه تحولاتی داشته است؟
- علت موفقیت و تاثیرگذاری برخی از داستان‌های کوتاهی که در زمینه دفاع مقدس نوشته شده‌اند، چه بوده است؟
- پرداختن به مسائل مستقیم جنگ با تبعات و تاثیرات آن، تا چه حد وابسته به سبک یا جنسیت نویسندگان است؟

فرضیه‌ها

- بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد ساختار و محتوای داستان کوتاه دفاع مقدس در طول سه دهه دچار تحولاتی شده است.

- عنصر پیرنگ در داستان کوتاه بسیار مهم بوده و نقش اساسی در موفقیت این گونه ادبی دارد.

- نویسندگان مرد به مسائل مستقیم جنگ بیشتر پرداخته‌اند درحالی که نویسندگان زن به پیامدهای جنگ در خانواده و بازماندگان توجه می‌کنند، اما سبک نویسندگان نیز در این موضوع نقش ویژه‌ای دارد.

پیشینه و سابقه تحقیق

تا کنون اثر خاص و منحصر به فردی در زمینه سیر تحول داستان کوتاه به نگارش درنیامده است و آنچه درباره این گونه ادبی نوشته شده، به موضوعات دیگری مربوط می‌شود که عبارتند از:

- حسن بارونیان؛ در کتاب «شخصیت پردازی در داستان‌های کوتاه» شخصیت پردازی را در هفت مجموعه از داستان‌های کوتاه دفاع مقدس تحلیل کرده است

- رضا رهگذر؛ در کتاب «نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ» چندین رمان و داستان کوتاه دفاع مقدس را از جهت ساختار و محتوا مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

- بلقیس سلیمانی؛ در مقاله «بررسی ساختار داستان‌های کوتاه جنگ» به طور کلی، مواردی را درباره زاویه دید، شخصیت‌پردازی و موضوعات داستان‌های کوتاه دفاع مقدس بیان کرده است.

- مسعود کوثری؛ در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی داستان‌های کوتاه جنگ» از علل گرایش به داستان کوتاه و مضامین مورد استفاده نویسندگان دفاع مقدس سخن گفته است.

شیوه پژوهش و فصول رساله

فصل اول این پژوهش به تعریف داستان کوتاه و بیان ویژگی‌های آن، پیشینه و سیر تحول داستان کوتاه در جهان و ایران اختصاص دارد. فصل دوم به

ادبیات داستانی دفاع مقدس مربوط می‌شود که شامل موضوعاتی است چون پیشینه ادبیات جنگ، تعریف ادبیات مقاومت و پایداری، ادبیات داستانی دفاع مقدس، و داستان کوتاه دفاع مقدس.

در فصل سوم پیرنگ و سیر تحول آن در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل ابتدا اجمالاً به عناصر داستان اشاره شده، سپس مطالبی درباره مضمون، شخصیت‌پردازی، و زاویه دید در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس بیان می‌گردد. در ادامه، پیرنگ و عناصر ضروری آن را توضیح داده، در پایان پیرنگ و سیر تحول آن در داستان‌های کوتاه چهار نویسنده: حبیب احمدزاده، راضیه تجار، سید مهدی شجاعی، و رحیم مخدومی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. علت تکیه نگارنده بر پیرنگ، و توجه به شخصیت و زاویه دید در تحلیل داستان‌ها، به دلیل اهمیت ویژه این عناصر در میان دیگر عناصر داستانی بوده است.

در فصل چهارم ابتدا سیر تحول ادبیات داستانی دفاع مقدس بیان شده، در ادامه با توجه به نتایج به دست آمده در فصل قبل، به سیر تحول داستان کوتاه دفاع مقدس در سه دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ اشاره می‌شود. فصل پنجم نیز به نتیجه گیری و پیشنهادها اختصاص دارد.

چنانکه ذکر شد، این پژوهش، اولین قدم در راه نشان دادن سیر تحول داستان کوتاه دفاع مقدس است؛ بنابراین ممکن است نواقص بسیاری داشته باشد. در واقع، این پژوهش فتح بابی است برای اینکه در آینده، پژوهش‌هایی با دامنه وسیع‌تر (به گونه‌ای که اغلب داستان‌های کوتاه دفاع مقدس را دربرگیرد)، و با دقت و تأمل بیشتری صورت پذیرد.

فصل اول:
داستان کوتاه

۱- تعریف داستان کوتاه و بیان ویژگی‌های آن

محققان و نویسندگان بسیاری داستان کوتاه را تعریف کرده‌اند، اما تقریباً همگی اذعان دارند که هنوز تعریف کامل و جامعی از داستان کوتاه ارائه نشده است. با این حال تعاریفی که برای این گونه ادبی ذکر شده در بیشتر موارد مشابه است. ذیلاً به برخی از تعاریف مشهور داستان کوتاه اشاره می‌کنیم.

ادگار آلن پو^۱ برای نخستین بار معیارهای فنی خاصی برای داستان کوتاه وضع کرد و در نقدی که به سال ۱۸۴۲ بر مجموعه داستان‌های *ناتانیل هاوثرن*^۲ با عنوان **قصه‌های بازگو شده** نوشت، داستان کوتاه را چنین تعریف کرد:

«داستان کوتاه، داستانی است که نویسنده در آن باید بکوشد تا خواننده را تحت تاثیر یگانه‌ای که تاثیرات دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، نگاه دارد و خواندن آن حداکثر دو ساعت زمان ببرد.»^۳

ابراهیم یونسی معتقد است داستان کوتاه را می‌توان به یاری خصوصیات زیر از دیگر آثار بازشناخت:

- ۱- طرح منظم و مشخصی دارد.
- ۲- یک شخصیت اصلی دارد.
- ۳- این شخصیت در یک واقعه اصلی ارائه می‌شود.
- ۴- در «کلی» که همه اجزای آن با هم پیوند متقابل دارند شکل می‌بندد.
- ۵- تأثیر واحدی را القا می‌کند.
- ۶- کوتاه است.

۱. (۱۸۰۹-۱۸۴۹ میلادی) نویسنده آمریکایی، بنیانگذار داستان کوتاه امروزی.

۲. نویسنده آمریکایی، سبک رمانتی سیسم

۳. سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، اول، مروارید، ۱۳۷۱، ۱۲۸

وی سپس خصوصیات ممیزه فوق را در قالب تعریف درآورده است: «داستان کوتاه اثری است کوتاه که در آن نویسنده به مدد یک طرح منظم، یک پرسوناژ اصلی را در یک حادثه اصلی نشان می‌دهد و این اثر من حیث المجموع تأثیر واحدی را القا می‌کند.»^۱

در کتاب **انواع ادبی** داستان کوتاه این گونه تعریف شده است:

داستان کوتاه که بدان به انگلیسی **Short story** و به فرانسه **Nouvelle** گویند، روایتی است منثور که چندان بلند نباشد. مطالبی که در مورد ساختار داستان بلند گفته شده، کم و بیش درباره داستان کوتاه هم صادق است. مثلاً داستان کوتاه هم پلاتی دارد که در آن آغاز و وسط و پایانی است و سرانجام به گره‌گشایی می‌رسد. مضمون پلات داستان کوتاه ممکن است کمیک (خنده دار)، تراژیک (غمناک)، رمانتیک (عاشقانه) و یا طنزآلود باشد. یا از هر زاویه دیدی می‌توان آن را روایت کرد (اول شخص و سوم شخص). همچنین داستان کوتاه می‌تواند به سبک‌های مختلفی باشد: واقع‌گرا، طبیعت‌گرا و تخیلی. در واقع فرق عمده داستان کوتاه با بلند در کوتاهی و بلندی است.

از جمله تفاوت‌هایی که برخی محققان بین داستان بلند و کوتاه قائل شده‌اند این است که قهرمان را در رمان بهتر می‌توان شناخت تا در داستان کوتاه. در داستان بلند خواننده نسبت به شخصیت‌ها احساس عشق و علاقه یا نفرت پیدا می‌کند و از طریق آنان با جامعه ارتباط می‌یابد. این مسائل در داستان کوتاه ضعیف‌تر است. در داستان کوتاه تعداد شخصیت‌ها محدود است، فضای کافی برای تجزیه و تحلیل‌های مفصل و پرداختن به امور جزئی وجود ندارد و معمولاً نمی‌توان در آن تحول و تکامل دقیق اوضاع و احوال اجتماعی شخصیت‌ها را آن طور که در رمان می‌بینیم بررسی کرد.

کوتاهی داستان کوتاه حد مشخصی ندارد. ممکن است خیلی کوتاه باشد مثلاً حدود ۵۰۰ کلمه بیشتر نداشته باشد. در این صورت **Short short story**

^۱. ابراهیم یونسی، هنر داستان نویسی، هفتم، تهران: موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۲، ۱۴ و ۱۵

یعنی داستان کوتاه کوتاه می‌گویند و گاه هم ممکن است خیلی بلند باشد، چیزی بین داستان کوتاه و ناول. در این صورت به آن **Novelette** یعنی رمان کوتاه یا داستان نیمه بلند می‌گویند.

سیروس شمیسا هم‌چنین اصول داستان کوتاه را از نظر ادگار آلن پو چنین بیان کرده است:

۱- داستان کوتاه را باید بتوان در یک نشست (بین نیم ساعت تا دو ساعت) خواند.

۲- همه جزئیات باید پیرامون یک موضوع باشد تا داستان تأثیر واحدی **Single Effect** داشته باشد و یک اثر را به خواننده القا کند.

۳- از کلمات زایدی که در تأثیرگذاری یا در ساخت داستانی نقشی ندارند خالی باشد.

۴- در نظر خواننده کامل باشد به نحوی که خواننده نتواند آن را به شکل دیگری تعریف کند یا بعد از آخرین جملات حس کند که می‌تواند آن را ادامه دهد.^۱

در پیشگفتار کتاب **یک درخت، یک صخره، یک ابر** خصوصیات داستان کوتاه به طور مفصل ذکر شده است. به نوشته این کتاب، داستان کوتاه مانند یک غزل خوب، نیازمند تمام توجه خواننده است؛ متمرکز کردن ذهن بر روی تک تک جزئیات برای دست یافتن به نهایت تأثیر. داستان کوتاه مثل غزل، قالبی مفید و مختصر است. انحراف را چندان تاب نمی‌آورد و در دنیای آفریده خود می‌ماند. رویداد داستان کوتاه متعارف در چارچوب زمانی و مکانی کوچک معمولاً پیوسته-ای فشرده است. شخصیت‌ها که تعدادشان اندک است آشکار می‌شوند، پرورنده نمی‌شوند. زمینه و فضا رسانده می‌شوند، داده نمی‌شوند. مثل بیشتر نمایش‌نامه‌ها، رویداد داستان کوتاه از بزنگاه آغاز می‌شود. داستان با شتاب به راه می‌افتد: «روزی روزگاری در سرزمین دوری شاهدختی زندگی می‌کرد...» تأثیرها چنان که پو می-

^۱. سیروس شمیسا، انواع ادبی، چاپ دوم از ویرایش دوم، تهران: میترا، ۱۳۸۶، ۱۸۷ - ۱۸۹

گوید، شدید و کامل‌اند. نویسنده داستان کوتاه نمی‌تواند مانند برخی رمان‌نویسان روایت را متوقف کند تا روحيات شخصیت‌هایش را بکاود یا تصویرشان را ترسیم کند. او نمی‌تواند تایم اوت (وقت اضافه) بگیرد تا صحنه‌ای را توصیف کند. داستان‌نویس باید فضا را القا کند، گره را بفهماند، شخصیت را برساند، تا خود خواننده بقیه را استنتاج کند. هنگامی که داستان‌نویسی از این اصول سر می‌پیچد، نتیجه خام و ایستا و ناساز با روح داستان کوتاه از کار درمی‌آید. راه‌هایی برای پرهیز از این گونه توضیحات وجود دارد که همه را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: القا. داستان به قول همی‌نگوی^۱ فقط نوک کوه یخ است، بقیه کوه القا می‌شود. گاهی یک جزء تنها، نشانه معانی بسیار می‌شود - یک طبقه اجتماعی تمام یا پیشینه یک شخصیت. این گونه نشانه یک وسیله کارآمد القای معناست.

تراکم و القا به کمک یکدیگر چیزی را پدید می‌آورند که شون /وفیلون^۲ آن را «نقطه روشنگری» می‌نامد و در یک کلام، اساس داستان کوتاه است. نقطه روشنگری، عنصر وحدت‌بخش اساسی داستان است، هدفی است که همه عناصر داستان برای رسیدن به آن بسیج می‌شوند. در این نقطه پیرنگ به اوجش رسیده و شخصیت‌ها نمایان شده‌اند و رابطه شخصیت و فضا به توازن - دست‌کم موقتی - رسیده است. بار انسانی داستان آشکار است. این تجربه را جیمز جویس^۳ «تجلی» می‌نامد.^۴

آنچه در خصوص ویژگی‌های داستان کوتاه گفتیم، مورد تایید اغلب صاحب‌نظران است، اما بیان ریڈ^۵ در کتاب خود با عنوان داستان کوتاه به نقد این نظریات پرداخته است. او در این باره می‌نویسد: در دو دهه نخست قرن بیستم کم‌کم، به ویژه در آمریکا، جستارهای متعددی در باب داستان کوتاه منتشر شد. در

^۱. (۱۸۹۸-۱۹۶۱) نویسنده برجسته آمریکایی.

^۲. نویسنده داستان کوتاه

^۳. (۱۸۸۲-۱۹۴۱) نویسنده ایرلندی

^۴. ویلفرد استون و دیگران، یک درخت، یک صخره، یک ابر، حسن افشار، اول، تهران: مرکز، ۱۳۸۲، ۹-۱۵

^۵. منتقد ادبی معاصر

همه این جستارها به طور یک صدا این دیدگاه مطرح بود که داستان کوتاه نوعی است مستقل و سه ویژگی مرتبط با آن سبب می‌شوند که نوعی منحصر به فرد باشد: تأثیر واحدی بر خواننده می‌گذارد، این تأثیر را با معطوف کردن توجه به یک بحران واحد ایجاد می‌کند، و در یک طرح مهارشده این بحران را محور قرار می‌دهد.

درباره اولین ویژگی باید گفت برداشت آلن پوز از وحدت، آن قدر محدود است که نمی‌تواند همه داستان‌های کوتاه را دربرگیرد. او تلویحا می‌گوید وحدت صوری همیشه باید حاصل «کار آگاهانه» باشد و این جای تردید بسیار دارد. در واقع بسیاری از داستان‌های زیبایی که جذابیتشان را عمدتاً مدیون همین فقدان «تأثیر واحد» اند؛ مانند برخی روایت‌های چخوف.

دومین ویژگی، بزنگاه است یعنی لحظه‌ای که شخصیت در آن دستخوش تغییری تکان دهنده در نگرش یا درک می‌شود. هرچند این انگاره در داستان‌های کوتاه رایج است، بزنگاه شخصی ابداً ویژگی ضروری داستان کوتاه نیست. در برخی از به یاد ماندنی‌ترین داستان‌های همینگوی مانند «یک گوشه پاک پرنور» هیچ بزنگاهی در کار نیست و هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

شرط دیگری که در خلق داستان کوتاه باید وجود داشته باشد، نقشه متقارن است. این ویژگی به این معناست که داستان کوتاه بدون طرح تقریباً نمی‌تواند وجود داشته باشد. این نظر بسیاری از محققان است، اما شکی نیست که این، مختصه‌ جدایی‌ناپذیر داستان کوتاه نیست. داستان ممکن است اصلاً آغاز یا پایانی نداشته باشد و تنها یک وضعیت موجود را نشان دهد و نه توالی رخدادها را. هرچند معدودی از نویسندگان همچنان به استفاده از طرح‌های دقیق و طرح-ریزی شده ادامه داده‌اند، اما در قرن حاضر گرایش داستان‌های کوتاه به همه «میان» بودن، اجتناب از تعقیدات ساختاری به طور اعم و اوج‌های پایانی به طور اخص،

افزایش یافته است. در این نوع داستان‌ها شخصیت بی‌حرکت نیست بلکه در واقع نشان می‌دهد که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد وضعیتش را تغییر دهد.^۱

نظریات یان رید در جایگاه خود قابل پذیرش است، اما نکته اینجاست که تشخیص داستان بدون ساختار و طرح، و داستانی که یان رید ویژگی‌های آن را برمی‌شمارد، بسیار مشکل است و بسیاری از نویسندگان بزرگ نیز قادر به ارائه داستان‌هایی بدون طرح معمول و در عین حال پرمحتوا و تاثیرگذار نیستند.^۲

۱-۲ انواع داستان کوتاه

برخلاف بحث و اظهار نظر درباره تعریف و ویژگی‌های داستان کوتاه، درباره انواع آن سخن زیادی بیان نشده است. تنها یک تقسیم بندی در این باره مشاهده می‌شود که از جمال میرصادقی است:

۱- داستان‌هایی که حادثه‌پردازانه است؛ گاهی پایان شگفت‌انگیزی دارد و لطیفه‌وار است و از آنها به عنوان داستان‌های پیرنگی یاد می‌کنند؛ مانند داستان گردنبند نوشته گی دو موپاسان.

۲- داستان‌هایی که برشی از زندگی است و لحظه‌ها و موقعیت‌های نمونه‌ای شخصیت داستان را تصویر می‌کند، به طوری که خواننده به خصلت و کیفیت زندگی نوعی این شخصیت پی می‌برد؛ مانند داستان بوسه نوشته آنتوان چخوف.

۳- داستان‌هایی که نمادین و تمثیلی است؛ مانند پزشک دهکده از فرانتس کافکا.

۴- داستان‌هایی که ضبط ساده‌ای است از روایتی گفتارگونه و در طی داستان، خصوصیت‌های اخلاقی و روانی شخصیت یا شخصیت‌هایی تصویر می‌-

^۱. یان رید، داستان کوتاه، فرزانه طاهری، دوم، تهران: مرکز، ۱۳۷۹، ۷۴-۸۸ (با تلخیص)

^۲. درباره طرح و پیرنگ و عناصر ضروری آن در فصل چهارم به طور مفصل سخن خواهیم گفت.

شود و به اصطلاح «داستان شخصیتی» را به وجود می‌آورد؛ مانند داستان سلمانی نوشته رینگ لاردنر.

۵- داستان‌هایی که در پایان به لحظه‌ای کشانده می‌شود و این لحظه ناگهان مفهوم همه داستان را آشکار می‌کند و یکی از شخصیت‌های داستان، معرفت و ادراکی نسبت به حقایق امور اطراف خود پیدا می‌کند و این ادراک و معرفت بر بینش و جهان‌بینی او تاثیر می‌گذارد. به این لحظه مکاشفه، «تجلی» یا «ظهور» می‌گویند؛ مانند داستان مردگان از جیمز جویس.

۶- داستان‌هایی که روایت ساده و بی‌آرایش از عملی است که هنرمندانه ساخته شده باشد و در پس ظاهر آن مفهوم جنبی دیگری نهفته باشد؛ مانند داستان سرخپوست نوشته ارنست همینگوی.

۷- داستان‌هایی که برشی از زندگی نیست و اغلب ترکیبی از داستان کوتاه و مقاله است و بر شخصیت تأکید نمی‌شود و فضا و رنگ و طراحی داستان، شخصیت‌ها را تحت الشعاع می‌گذارد. داستان کوتاه از پیرنگ‌های متعدد و مجزا شکل می‌گیرد؛ مانند داستان درونمایه خائن و قهرمان نوشته بورخس.^۱

۱-۳ پیشینه داستان کوتاه در جهان و ایران

داستان کوتاه در اوایل قرن نوزدهم با داستان‌های ادگار آلن پو در آمریکا و نیکلامی گوگول در فرانسه متولد شد. به اعتقاد بسیاری از جمله مصطفی مستور^۲، داستان کوتاه به دنبال یک ضرورت تاریخی و اجتماعی به وجود آمد. انقلاب صنعتی و پیدایش ماشین و تسلط مؤلفه‌ای به نام سرعت بر تمام ارکان و وجوه زندگی انسان، نویسندگان را به نقطه‌ای رساند که احساس کردند برای بیان حرف‌های خویش به راه‌های میان‌بر نیازمندند؛ بنابراین به ابداع داستان کوتاه دست زدند. به لحاظ شخصی و فردی نیز داستان کوتاه محصول فشاری است که بر روح نویسنده وارد می‌شود و او برای رهایی از آن نیازمند منفذ است که این منفذ

^۱. جمال میرصادقی، عناصر داستان، چهارم، تهران: سخن، ۱۳۸۰، ۲۶-۲۸.

^۲. ر.ک پیوست

در داستان کوتاه شکل می‌گیرد. گویا نویسنده با نوشتن داستان کوتاه از یک فشار عظیم روحی رهایی می‌یابد، اما در رمان این طور نیست چون فشار نمی‌تواند به صورت مستمر ادامه یابد. شاید به همین سبب است که داستان کوتاه را به برش عرضی و رمان را به برش طولی تشبیه کرده‌اند.^۱

البته درست است که مهم‌ترین عامل پیدایش داستان کوتاه، مؤلفه «سرعت» است که با پیشرفت صنعت و ماشینی شدن به وجود آمد، اما هنوز هم رمان نوشته می‌شود و بسیاری از خوانندگان، رمان را بر داستان کوتاه ترجیح می‌دهند. بنابراین سرعت یکی از عوامل پیدایش داستان کوتاه است و شاید عامل دیگر، حس تنوع طلبی مخاطبان و نویسندگان است!

از افراد دیگری که درباره منشأ و پیدایش داستان کوتاه اظهار نظر کرده سیروس شمیسا است. او در این باره نوشته است: در مورد منشأ داستان کوتاه هم مثل داستان بلند از رمانس سخن گفته‌اند. سنت بالادپردازی Ballady در تحول و تکامل داستان کوتاه موثر بوده است. برخی محققان سابقه داستان کوتاه را به قرن چهاردهم میلادی می‌رسانند. در این قرن دو کتاب معروف قصه نوشته شد که یکی دکامرون اثر بوکاچیو^۲ و دیگری قصه‌های کانتربری نوشته چاسر^۳ است. این دو کتاب را می‌توان مجموعه داستان‌های کوتاه حساب کرد، اما داستان کوتاه به معنی امروزی در قرن نوزدهم شکل گرفت و اول کسی که به صورت جدی بدان پرداخت، ادگار آلن پو است. او علاوه بر نوشتن داستان‌های کوتاه، از نظر تئوری هم مطالبی در مورد داستان کوتاه نوشته و آن را به عنوان یک نوع ادبی مطرح کرده است.

رواج رئالیسم نیز در تکامل داستان کوتاه بسیار موثر بوده و اساتید این فن کوشیده‌اند در نگارش آثار خود واقع‌گرایی را با تکنیک بیامیزند. داستان‌های

^۱. نود و پنجمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه، "داستان کوتاه و پیچیدگی‌های ناپیدا"، توسعه، ۸۲/۵/۲۹

(فهرستگان)

^۲. (۱۳۱۳-۱۳۷۳) از چهره‌های برجسته تاریخ ادبیات ایتالیا

^۳. (۱۳۴۳-۱۴۰۰) نویسنده انگلیسی